

ویژگی‌های مدرسه فقهی و کلامی امام باقر (ع)

ناصر رفیعی محمدی^۱

چکیده

دوران امامت امام باقر (ع) حدود دودهمه طول کشید. در این ایام پرتلاطم که جامعه اسلامی با شکوفایی علم و دانش و ظهور فرقه‌های مختلف کلامی و فقهی مواجه بود، امام باقر (ع) مدرسه عظیمی بنیان نهاد و شاگردان برجسته‌ای مانند زراره و محمد بن مسلم را تربیت کرد. این مدرسه بزرگ تفاوت‌های اساسی با آموزه‌های سایر مذاهب و مکاتب داشت. مدرسه بزرگ فقهی و کلامی امام باقر (ع) ویژگی‌هایی داشت که اگرچه با سایر معصومین مشترک بود، اما باتوجه به دوران خفقان قبل از امام باقر (ع) و فراهم نبودن شرایط برای سایر معصومین تا زمان ایشان، می‌توان دوران امامت امام باقر (ع) را تجلی‌گاه این ویژگی‌ها دانست. محوریت و حاکمیت قرآن، استناد به سنت رسول خدا (ص)، حاکمیت عقل و خرد، نقش عمل‌گرایی، اعتدال و میانه‌روی، باورمندی به باز بودن باب اجتهاد، اهتمام ویژه به علم و دانش، ولایت‌مداری، توصیه به تقیه و حفظ اسرار از مهمترین این شاخصه‌هاست. میزان استناد به این موارد باتوجه به شواهد و اقتضائات زمانی و مکانی متفاوت است. امام باقر (ع) در دوران ۲۰ ساله امامت خود با تکیه بر این ویژگی‌ها از حریم تشیع در برابر فرقه‌ها و مکاتب مختلف کلامی و فقهی دفاع کرد.

واژگان کلیدی: امام باقر (ع)، قرآن محوری، سنت، ولایت‌مداری، عقل‌گرایی، اجتهاد و تقیه.

۱. مقدمه

ابوجعفر محمد بن علی الباقر، پنجمین نور هدایت است که برافق امامت و ولایت درخشید. درباره تاریخ زادروز آن حضرت گزارش های مختلفی وجود دارد، اما سوم صفر سال ۵۷ قمری شهرت بیشتری دارد. (ر.ک.، کلینی، ۱۴۵۷ ه.ق، ۴۶۹/۱، مفید، ۱۴۱۳ ه.ق، ۱۵۷/۲، طبرسی، ۱۳۹۰، اربلی، ۱۳۸۱، ۱۱۷/۲) او نخستین مولود از دو بحر امامت یعنی، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام است: «و هو هاشمی من هاشمیین، و علوی من علوئین». مادرش، فاطمه ام عبدالله، دختر امام حسن مجتبی علیه السلام است (ر.ک.، کلینی، ۱۴۵۷ ه.ق، ۴۶۹/۱، مفید، ۱۴۱۳ ه.ق، ۱۵۸/۲) که در وصف او گفته اند: «كَانَتْ صِدِّيقَةً لَمْ تُذْرَكْ فِي آلِ الْخَسَنِ إِمْرَأَةً مِثْلَهَا» (کلینی، ۱۴۵۷ ه.ق، ۴۶۹/۱) و پدر ایشان، دریای دانش و بندگی، امام سجاد علیه السلام است. القاب مشهور آن حضرت عبارتند از: الباقر، الامین، الشاکر، الهادی، الصابر، الشاهد (قرنی، ۱۴۱۳ ه.ق، ۲۱/۱). دوران امامت آن حضرت حدود ۲۰ سال و بین سال های ۹۵ ه.ق تا ۱۱۴ ه.ق است. سالروز شهادت آن حضرت نیز محل اختلاف است؛ مشهور آن است که آن حضرت هفتم ذی حجه سال ۱۱۴ در مدینه به دست هشام بن عبدالملک به شهادت رسید (اربلی، ۱۳۸۱، ۱۱۲/۲، ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۳۱۰/۴). امام باقر علیه السلام جامع صفات کریمه و فضائل اخلاقی بود که حلم، صبر، سخاوت، عبادت، زهد، شجاعت و... بخشی از این ویژگی هاست. امام صادق علیه السلام در توصیف پدر بزرگوارش می فرماید: «پدرم کثیرالذکر بود. با او راه می رفتم یاد خدا می کرد، غذا می خوردم یاد خدا می کرد. اگر با مردم هم سخن می گفت از ذکر خدا غافل نمی ماند. ما را جمع می کرد و دستور می داد تا طلوع آفتاب ذکر داشته باشیم. به هریک از ما که توانایی قرائت قرآن را داشت، دستور می داد قرآن بخوانید و هر کسی که توانایی نداشت، فرمان می داد ذکر بگوید» (ابن مهدی حلی، ۱۴۵۷ ه.ق).

بسیاری از دشمنان، مخالفان و غریب اورمندان به امام باقر علیه السلام زبان به مدح و ستایش ایشان گشوده اند. هشام بن عبدالملک می گوید: «لا يزال العرب والعجم يسودها قریش مادام فهم مثلک؛ تا تو در میانه قریشی، آنان به عرب و عجم آقایی می کنند» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ه.ق، ۷۷۴/۳). در میان ابعاد شخصیتی و محورهای فعالیت آن امام بزرگوار، پایه گذاری مدرسه علمی و تربیت ده ها شاگرد و متخصص در علوم اسلامی بیشتر رخ می نماید تا آنجا که آن حضرت را باقرالعلوم یا شکافنده دانش ها خوانده اند (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ه.ق). شیخ طوسی شاگردان ایشان



را بیش از ۴۶۰ تن ذکر کرده است (طوسی، ۱۳۷۳). سخنان نورانی و بلندی از ایشان در حوزه یادگیری، آموزش و ترویج علم و سرزنش جهل و نادانی به دست رسیده است که عبارتند از: «كَدَّ أَكْثَرَ الْعِلْمِ دِرَاسَةً وَ الدِّرَاسَةُ صَلَاةٌ حَسَنَةٌ؛ مذاکره علم درس است و درس، نماز (دعا) نیکوست» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۴۷۱) یعنی، ثواب نماز مقبول را دارد؛

- «عَالِمٌ يَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ، أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ؛ دانشمندی که از دانش او بهره برده شود برتر از ۷۰ هزار عابد است»؛ (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳۲۸)

- «شَرِّقًا وَ غَرْبًا لَنْ نَجِدَا عِلْمًا صَاحِبًا إِلَّا شَيْئًا يَخْرُجُ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ به شرق و غرب بروید، علم صحیح را نمی یابید مگر آنچه از ما اهل بیت (علیهم السلام) صادر شود»؛ (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳۹۹/۱)

- «مَنْ عَلَّمَ بَابَ هُدًى فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ عَمِلَ بِهِ وَ لَا يُنْقَضُ أَوْلَئِكَ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْئًا؛ هر کسی باب هدایتی را به کسی آموزش دهد پاداش همه کسانی را که بدان عمل می کنند، دارد بدون آنکه چیزی از پاداش آنان کم شود»؛ (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳۵۸)

مدرسه یا معادل فارسی آن آموزشگاه به معنای عام، مکان یادگیری هرگونه علم و دانش است. این واژه امروزه به معنای مراکز درس و تدریس به کار می رود. مراد از مدرسه امام باقر (علیه السلام) در پژوهش حاضر، محل آموزش و تدریس آن حضرت در مدینه است که با توجه به از بین رفتن خفقان نسبی زمان امام سجاد (علیه السلام) زمینه مناسبی بود تا امام باقر (علیه السلام) به تربیت ده ها شاگرد و کادرسازی بپردازد. در پژوهش حاضر، ویژگی های این آموزشگاه عظیم و سترگ در ۹ مورد بررسی شد. البته این ویژگی ها مختص آن حضرت نیست و سایر معصومین نیز با همین منشور، شاگردان خود را تربیت کرده اند. در نوشتار حاضر با نگاه به زندگی امام باقر (علیه السلام) این موارد تنظیم شده است.

۲. قرآن محوری

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در ده ها کلام نورانی که اوج آن حدیث ثقلین است قرآن و عترت را در کنار هم قرار داد؛ یعنی ثقل اکبر و ثقل اصغر که هرگز جدایی ندارند. (صفا قمی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۴۱۴/۱)

قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) دو نسخه راهبردی برای هدایت بشر در اعصار مختلف است. قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): «إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي وَ أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ



الْآخِر: كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَعِشْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي، أَلَا وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ؛ مَنْ فِي بَيْنِ شِمَاوٍ وَجِزْءٍ كَرَامٍ بِهَا مِيكَانِي كَمَا تَهْنَأُ بِهَا بِأَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ. هَمَانَا! اَيْنَ دَوِيَادِكَارِ أَزْ هَمِ جَدَا نَمِي شُونَد تَا كَنَارِ حَوْضِ بَرِ مَنْ وَارِدِ شُونَد، (خصیبی، ۱۴۱۹ هـ.ق.)، سفارش به قرآن در کلام امام باقر علیه السلام ساحت های مختلفی دارد که عبارتند از: احترام به قرآن، توصیه به قرائت و تدبیر در قرآن، عمل به قرآن، حاکمیت قرآن و استناد به قرآن. یکی از شاخصه های مهم زندگی امام باقر علیه السلام تأکید بر محوریت قرآن است.

۲-۱. توصیه بر قرائت

«فَأَمَّا عَلَى النَّاسِ أَنْ يَقْرَأُوا الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلَ فَإِذَا احتاجوا إلى تفسیره فالاهتداء بنا وإلینا؛ وظیفه مردم است قرآن را آن گونه که نازل شده است، بخوانند و اگر نیازمند به تفسیر آن شدند، پس هدایت برعهده ماست.» (جرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۷/۲۸)

«وَرَجِعَ بِالْقُرْآنِ صَوْتُكَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الصَّوْتِ الْحَسَنَ يَرْجِعُ فِيهِ تَرْجِعًا؛ در قرائت قرآن در صدای خود ترجیع قرار بده؛ زیرا خداوند صدای نیکویی که با ترجیع باشد را دوست دارد.» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۲/۱۱۶)

۲-۲. قرآن پشتوانه سخنان اهل بیت علیهم السلام

«إِذَا حَدَّثَكُمْ بِشَيْءٍ فَمَا سَأَلُونِي عَنْ كِتَابِ اللَّهِ. ثُمَّ قَالَ فِي حَدِيثِهِ: إِنَّ اللَّهَ نَهَى عَنِ الْفَقِيلِ وَالْقَالِ وَقَسَادِ الْمَالِ وَكَثْرَةِ السُّؤَالِ. فَقَالُوا: يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ وَآئِينَ هَذَا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ؟ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ» الْآيَةُ، وَقَالَ: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» وَقَالَ: «لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبْدَ لَكُمْ تَسْأَلُكُمْ»؛ هرگاه برای شما حدیثی گفتم، درباره پشتوانه آن از کتاب خدا از من بپرسید. سپس در حدیثی فرمود: همانا خداوند از بگومگو کردن، تلف کردن مال و پرسش زیاد نهی کرده است. (حاضران گفتند) ای پسر رسول خدا! پشتوانه قرآنی این سخن چیست؟ امام علیه السلام فرمود: «آیه شریفه» در بسیاری از نجوای آنها خیری نیست «و آیه شریفه» اموال خود را که خداوند آن را وسیله استواری زندگی قرار داده به سفیهان ندهید «و آیه شریفه» از چیزهایی که اگر پاسخ آن بر شما آشکار شود، ناراحت می شوید، نپرسید.» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۵/۳۰۰) این روایت به روشنی ارتباط

دقیق قرآن و عترت را تبیین می‌کند. امام علیه السلام با قاطعیت می‌فرماید: «هر سخنی را که ما برای شما نقل کردیم این حق شماست که بپرسید منشاء و خاستگاه قرآنی این سخن چیست» بلافاصله امام علیه السلام به سه شاهد نیز اشاره می‌کند و به حاضران اجازه می‌دهد از پشتوانه قرآنی آن سؤال کنند.

۲-۳. بیان مصادیق آیات

بخش عمده‌ای از روایات امام باقر علیه السلام به بیان مصادیق آیات و تطبیق اختصاص دارد. مواردی که امام علیه السلام اشاره کرده یا با ظاهر آیات انطباق دارد یا بر باطن آیات قابل حمل است. امام علیه السلام ذیل آیه «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا؛ بگو آیا شما را از زیان‌کارترین مردم از نظر عمل آگاه کنم» (کهف: ۱۰۳) فرمود: «هم النصاری و القسیسون و الزهبان و اهل الشبهات و الاهواء من اهل القبلة و الحروریة و اهل البدع؛ مراد از این آیه، نصاری و دانشمندان آنان و پارسایان آنها و نیز مسلمانان پیرو شبهات و خواسته‌های نفسانی و حروریه و اهل بدعت هستند» (قمی، ۱۳۶۳، ۴۶/۲). سبب نزول آیه، اهل کتاب هستند که بدعت در دین گذاشتند و فکر می‌کردند کار نیک و مثبت انجام می‌دهند. امام علیه السلام با توسعه معنایی، آیه را بر گروهی از مسلمانان نیز تطبیق داده است. همچنین ذیل آیه «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا؛ و اگر آنها بر طریقه حق پایداری می‌کنند حتماً آنان را از آب فراوانی سیراب خواهیم کرد» (جن: ۱۶) فرمود: «يَعْنِي لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى وَلايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وَلَدِهِ علیه السلام وَ قَبِلُوا طَاعَتَهُمْ فِي أَمْرِهِمْ وَ تَهْنِئِهِمْ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا يَقُولُ لَأَسْرَبْنَا قُلُوبَهُمُ الْإِيمَانَ وَ الطَّرِيقَةَ هِيَ الْإِيمَانُ بِوَلايَةِ عَلِيٍّ وَ الْأَوْصِيَاءِ». امام علیه السلام در مورد معنای این آیه فرمود: «یعنی اگر مردم بر ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و اوصیا از فرزندانشان استوار شوند و اطاعت آنها را در امر و نهی بپذیرند با آب فراوان سیرابشان می‌کنیم؛ یعنی ایمان را در دلشان جایگزین می‌کنیم. منظور از طریقه همان ایمان به ولایت علی علیه السلام و جانشینان اوست» (کلینی، ۱۳۵۷ ه.ق، ۲۲۰/۱). آیه شریفه در مورد استقامت در راه حق است. اگر مردم بر طریقه اسلام استقامت داشته باشند وسعت رزق خواهند داشت. امام علیه السلام با الغای خصوصیت، آیه شریفه را بر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام منطبق کرده است.

۲-۴. استنباط احکام از آیات قرآن

زراره بن اعین و محمد بن مسلم ثقفی از امام باقر علیه السلام درباره حکم نماز مسافر پرسید. آنها



به امام گفتند خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَإِذَا صَلَّيْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ» هنگامی که سفر می‌روید بر شما گناهی نیست که نماز خود را قصر برگزار کنید». گفتند: «خدا فرموده بر شما گناهی نیست و نفرموده واجب است، پس چگونه از آیه وجوب فهمیده می‌شود». امام (ع) فرمود: «آیا نمی‌دانید خداوند در مورد صفا و مروه هم می‌فرماید: «فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا» پس هر کس حج خانه خدا و یا عمره به جای آورد بر او گناهی نیست که سعی بین صفا و مروه را انجام دهد؛ آیا نمی‌بینید که آن دو واجب شده است». تقصیر در سفر نیز همین‌گونه است که پیغمبر (ص) به آن عمل کرده است (بحرانی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۱۶۳/۲). امام (ع) در مورد مسح قسمتی از سر فرمود: «خداوند در قرآن فرموده: «وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ» و نفرموده است: رُءُوسُكُمْ». این مطلب از حرف باء فهمیده می‌شود (بحرانی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲۵۶/۲).

۳. استناد به سنت رسول خدا (ص)

حجیت و اعتبار سنت نبوی در مرحله علم و عمل برخاسته از نص قرآن کریم است. اعتباری که سنت را در کنار قرآن قرار داده است و آن را واقع‌نما می‌کند. آموزه‌های متعددی از کلام وحی دلالت بر حجیت سنت رسول خدا (ص) همگون با قرآن دارد به گونه‌ای که براساس این نصوص، اطاعت از پیامبر (ص) به مثابه اطاعت از خدا (ر.ک.، تساءل، ۸۰) و عدم پیروی، مخالفت با خداست (ر.ک.، حشر، ۷). قرآن کریم به صراحت رسول خدا (ص) را اسوه حسنه معرفی کرده است. معنای اسوه بودن، حجیت گفتار، رفتار، اعمال و تقریرات آن حضرت است (ر.ک.، احزاب: ۲۱). قرآن کریم بر وحیانی بودن سخنان پیامبر (ص) تأکید دارد (ر.ک.، نجم، ۳). مراد از وحیانی بودن، فقط دریافت‌های وحی نیست، بلکه هر آنچه را رسول خدا (ص) در قالب آموزه‌های شریعت بیان کرده است، شامل می‌شود. ویژگی دوم مدرسه امام باقر (ع) تکیه بر سنت نبوی است؛ آن حضرت می‌فرماید: «أَوَّلُ مَا حَدَّثَنَا بِرَأْيِنَا صَلَّيْنَا كَمَا صَلَّيْنَا مِنْ كَانَ قَبْلَنَا، وَلَكِنَّا حَدَّثْنَا بِرَأْيِنَا مِنْ رَأْيِنَا لِنَبِيِّهِ (ص) فَبَيَّنَّا لَنَا؛ اگر ما براساس رأی و نظر خود سخن بگوییم، همراه شده‌ایم همچون کسانی که پیش از ما بوده‌اند، ولی ما براساس بینه و برهان الهی که برای پیامبر (ص) برای ما بیان کرده است، سخن می‌گوییم» (صفا، قمی، ۱۴۴ هـ.ق، ۲۹۹/۱).

مرحوم کلینی در کافی، بابی بانام باب الاخذ بالسنة و شواهد الكتاب نوشته و دوازده

روایت را در این مورد جمع آوری کرده است. امام باقر علیه السلام فرمود: «كُلُّ مَنْ تَعَدَّى السَّنَةَ زُدَّ إِلَى السَّنَةِ؛ هرکس از سنت تجاوز کند بدان بازگردانده می شود» (کلینی، ۱۴۷۷ ه. ق. ۷/۱). شخصی از امام باقر علیه السلام پرسشی کرد و امام علیه السلام پاسخ داد. شخص دیگری که آنجا بود عرض کرد فقها در مدینه در این مسئله نظر دیگری دارند. امام باقر علیه السلام فرمود: «وای بر تو! میدانی فقیه و عالم واقعی کیست؟ زاهد در دنیا و راغب به آخرت و متمسک به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله» (کلینی، ۱۴۷۷ ه. ق. ۷/۱). در همین مورد، کتاب مرحوم علامه امینی بانام *سیرتنا و سنتنا سیره نبینا* و سنته در پاسخ به سؤالات شخصی در حلب سوریه نوشته شده است.

۴. عقلانیت و محوریت خرد

وجه تمایز انسان از حیوانات و نباتات، نعمت عقل است. عقل بزرگترین نعمت پروردگار بر بشر و موهبت غیرقابل ارزش گذاری است. عقل و خرد، رسول باطنی و هدایتگر به توحید است. رهیابی به اصول دین در پرتو عقل محقق می شود و محاسبه افراد به اندازه خرد و عقل آنهاست. (ر. ک.، مجلسی، ۱۴۰۶ ه. ق. ۲/۱۸۴) اهل جهنم در روز محشر می گویند: «اگر سخن حق را شنیده و خردورزی می کردیم در میان دوزخیان نبودیم» (ملک، ۱۰). شیخ حرعاملی در باب وجوب طاعه العقل و مخالفة الجهل درباره معانی عقل می گوید: «عقل در سخن اندیشمندان و حکیمان معانی بسیار دارد که با جست و جو در احادیث سه معنی به دست می آید: نیرویی که بدان خوبی ها، بدی ها، تفاوت ها و زمینه های آن شناخته می شود و این معیار تکلیف شرعی است؛ ملکه ای که به انتخاب خوبی ها و پرهیز از بدی ها فرامی خواند و تعقل و دانستن که در برابر جهل (نادانی) قرار می گیرد نه در برابر دیوانگی. بیشترین کاربرد عقل در روایات در معانی دوم و سوم است: «والله اعلم» (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه. ق. ۱۵/۲۰۹).

مکتب اهل بیت علیهم السلام مبتنی بر عقلانیت به همه معانی و بیشتر معنای سوم است؛ یعنی آنچه برخاسته از جهل و نادانی است مورد سرزنش قرار گرفته و همگان به خردورزی توصیه شده اند. هدف بعثت انبیا کشف گنجینه های پنهان عقل است: «وَيُثْبِرُوا لَهُمْ ذَفَائِرَ الْعُقُولِ؛ تا گنجینه های خرد را در میان مردم برانگیزانند» (نهج البلاغه، حکمت ۱۰). خرد به منزله شرع درونی است. امام علی علیه السلام می فرماید: «العقل شرع من داخل و الشرع عقل من خارج؛ خرد شرعی از درون و



شرع عقلی از بیرون است» (طریحی، ۱۳۷۵، ۴۳۶/۵). هرگز بین شرع و محکّمات عقلی تعارض نیست. امامان (ع) بر به کارگیری عقلانیت در اداره امور زندگی و تعامل با دیگران تأکید داشتند. آنها همواره مردم را از پیروی جهل، خرافات، تقلید کورکورانه، هوس، هوای نفس و هر آنچه مانع عقلانیت است، بر حذر می داشتند. امام باقر (ع) می فرماید: «خدای متعال چون عقل را آفرید از او بازپرسی کرد و فرمود: پیش آی! پیش آمد. بازگرد! بازگشت. سپس فرمود: به عزت و جلالم سوگند، مخلوقی محبوب تر از تو نیافریدم و تو را تنها به کسانی که دوستشان دارم به صورت کامل دادم. همانا براساس تو امر و نهی می کنم و عقاب و پاداش می دهم» (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۱/۱۰). از این حدیث نکاتی برداشت می شود که عبارتند از: اهمیت و جایگاه عقل در جایگاه اولین آفریده؛ مختار بودن عقل (که مورد تکلیف الهی قرار گرفته است)؛ نشانه کمال بودن عقل (از این رو، به افراد کامل اعطا می شود) و ملاک بودن عقل در امر و نهی، و ثواب و عقاب.

امام باقر (ع) عقل را عمود خیمه انسانیت می داند و می فرماید: «دَعَامَةُ الْإِنْسَانِ الْعَقْلُ» (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۱/۲۵). ایشان عقل را مؤلفه و میزان مسئولیت پذیری و ملاک حسابرسی خدا از انسان می داند: «إِنَّمَا يُدَانِي اللَّهُ الْعِبَادَ فِي الْحِسَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى قَدَرِ مَا آتَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ فِي الدُّنْيَا؛ حسابرسی خداوند در روز قیامت از بندگان به اندازه خردی است که در دنیا به آنها داده است» (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۴۰/۱). بدیهی است عقل که برترین آفریده الهی و نیروی تشخیص خیر از شر است انسان را باورمند به خدا و تسلیم اراده الهی می کند. امام باقر (ع) عقل گرایی و فرجام اندیشی را بن مایه محاسبه اعمال می داند. ایشان در روایت نورانی از قول رسول خدا (ص) نقل می کند که فرمود: «چون در اندیشه انجام دادن کاری برآیی در پایان آن تدبّر کن. اگر نیک است و مایه رشد، انجام بده و اگر مایه گمراهی است فروگذار» (برقی، ۱۳۷۱، ۱۶۸). عقلانیت چونان چتری بر زندگی و عملکرد امام باقر (ع) سایه افکننده و آن حضرت همواره با ملاک عقل، امور را توصیه و تحلیل می کرد.

۵. اهتمام به عمل و تلاش

ویژگی دیگر مدرسه باقرالعلوم (ع) اهمیت به عمل و تلاش است. عمل گرایی و پرهیز از اباحی گری روح حاکم بر زندگی امام باقر (ع) است. این اصل برگرفته از ده ها آیه قرآن کریم

است: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ قَلْبًا كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا؛ بگو من تنها انسانی مثل شما هستم که به من وحی می‌شود که خدای شما خدای یکتاست، پس هرکس به لقای پروردگارش امیدوار است باید نیکوکار شود و هرگز در پرستش خدایش احدی را با او شریک نگرداند» (کهف: ۱۱۰). امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «الْعَمَلُ الْعَمَلُ، ثُمَّ الْنَهْيَةُ الْنَهْيَةُ وَالْإِسْتِغَامَةُ الْإِسْتِغَامَةُ، ثُمَّ الصَّبْرُ الصَّبْرُ وَالْوَرَعُ الْوَرَعُ، إِنَّ لَكُمْ نَهْيَةً فَأَتَوْهُمَا إِلَىٰ نَهْيَتِكُمْ؛ تلاش تلاش، فرجام فرجام، پایداری پایداری، بردباری بردباری، خویشتنداری خویشتنداری، همانا شما را پایانی است، پس خود را به آن برسانید» (نهج البلاغه، حکمت ۱۷۶). امام باقر علیه السلام کلمات فراوانی در این زمینه دارد. امام علیه السلام فرمود: «يَا جَابِرُ أَيْكُنْ فِي مَنِ التَّحَلُّ الشَّيْخِ. أَنْ يَقُولَ حُجَّتَنَا أَهْلُ الْبَيْتِ قَوْلَ اللَّهِ مَا شِيعَتُنَا إِلَّا مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَأَطَاعَهُ وَمَا كَانُوا يُغْفَرُونَ يَا جَابِرُ إِلَّا بِالتَّوَّاعِ وَالنَّحْسِ وَالْأَمَانَةِ وَكَثْرَةِ ذِكْرِ اللَّهِ وَالصَّوْمِ وَالصَّلَاةِ وَالْبِرِّ بِالْوَالِدَيْنِ وَالنَّهْضِ لِلْجَبْرَانِ مِنَ الْفُقَرَاءِ وَأَهْلِ الْمُسْكِنَةِ وَالْعَارِمِينَ وَالْأَيْتَامِ وَصَدَقِي الْحَدِيثَ وَتَلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَكَلْبِ الْأَلْسِنِ عَنِ النَّاسِ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ وَكَانُوا أَمَنَاءَ عَشَائِرِهِمْ فِي الْأَشْيَاءِ قَالَ جَابِرٌ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا تَعْرِفُ الْيَوْمَ أَحَدًا يَهْدِيهِ الصِّفَةَ فَقَالَ يَا جَابِرُ لَا تَذْهَبَنَّ بِكَ الْمَذَاهِبُ حَسْبُ الرَّجُلِ أَنْ يَقُولَ أَحِبُّ عَلِيًّا وَأَتَوَلَّاهُ ثُمَّ لَا يَكُونَ مَعَ ذَلِكَ فَقَالَ قُلُوْا قَالَ إِيَّيْ أَحِبُّ رَسُولَ اللَّهِ - فَرَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله خَيْرٌ مِنْ عَلِيٍّ علیه السلام ثُمَّ لَا يَتَّبِعُ سِيرَتَهُ وَلَا يَعْمَلُ بِسُنَّتِهِ مَا نَفَعَهُ حُبُّهُ إِثْنَاءَ شَيْئٍ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْمَلُوا لِمَا عِنْدَ اللَّهِ لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ. أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَكْرَهُهُمْ عَلَيْهِ أَتْقَاهُمْ وَأَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِهِ يَا جَابِرُ وَاللَّهِ مَا يُتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَّا بِالطَّاعَةِ وَمَا مَقْنَا بَرَاءَةً مِنْ؛ ای جابر! آیا همین که کسی ادعا کند شیعه است و ما، اهل بیت علیهم السلام را دوست دارد، کافی است. به خدا قسم! شیعه ما نیست مگر کسی که از مخالفت با خدا بپرهیزد و او را اطاعت کند. ای جابر! شیعیان ما شناخته نمی‌شوند مگر با تواضع، خشوع، امانت داری، یاد خدا، روزه، نماز، نیکی به والدین، رسیدگی به همسایگان تهی دست و یتام، راست گویی، تلاوت قرآن، کنترل زبان مگر از خیر و امانت داری بین عشیره و بستگان. هنگامی که جابر وجود چنین افرادی را بعید شمرد و گفت با این اوصاف، شیعه‌ای نمی‌شناسم. امام علیه السلام فرمود: ... تقوای الهی داشته باشید و به آنچه خدا امر کرده، گردن نهید. میان خداوند و هیچ فردی خویشاوندی نیست. محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند و گرامی‌ترین آنها باتقواترین و باعمل‌ترین در مسیر اطاعت الهی است» (کلینی، ۱۴۶ هـ.ق، ۱۹۰/۳).

در این روایت، امام علیه السلام به صراحت بر حاکمیت عمل تأکید دارد و اندیشه اباحی‌گری

و ثواب بدون تلاش را تخطئه می‌کند. یکی از فرقه‌هایی که در زمان امام باقر (ع) به ترویج اباحه‌گری و نفی عمل‌گرایی اقدام می‌کرد، فرقه مرجئه بود. این گروه که در پایان نیمه اول قرن هجری شکل گرفت بر این باور بود که ایمان و عمل از هم جداست و انجام گناهان کبیره بر ایمان و فرجام افراد تأثیری ندارد. برخی بر این باورند که مذهب مرجئه واکنشی بود در مقابل افراط و تندى خوارج، (زین کوب، ۱۳۶۳) امام باقر (ع) درمورد آنها فرمود: «اللهم العن المرجئه فانهم اعدائنا فى الدنيا والاخره» (کلینی، ۱۴۷۲ هـ.ق، ۲۷۶/۸). عمل بدون آگاهی و معرفت نیز فاقد ارزش است. ایشان می‌فرماید: «لَا يُعْبَلُ عَمَلٌ إِلَّا بِعَرَفَةٍ، وَلَا مَعْرِفَةٌ إِلَّا بِعَمَلٍ وَمَنْ عَرَفَ دَلَّتْهُ مَعْرِفَتُهُ عَلَى الْعَمَلِ، وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْ فَلَا عَمَلَ لَهُ؛ هیچ عملی جز با شناخت، هیچ شناختی جز با عمل پذیرفته نشود. هرکس شناخت پیدا کند شناخت، او را به عمل رهنمون می‌کند و هرکس معرفت و شناخت نداشته باشد او را عملی نباشد» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۴۴ هـ.ق). امام همواره با عافیت‌طلبی و روحیه توجیه‌گرایانه مخالفت کرده و سکوت در برابر ستم و منکر را جرم می‌دانست. ایشان با تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر، همگان را به موضع‌گیری عملی در برابر این مهم دعوت می‌کرد و می‌فرمود: «با امر به معروف و نهی از منکر راه‌ها امن می‌شود، حقوق پایمال شده به صاحبانش برمی‌گردد و زمین آباد می‌گردد» (کلینی، ۱۴۷۲ هـ.ق، ۵۶/۵). برخورد با منکر و ترویج معروف، نخست با عمل و تلاش آمر و ناهی عملیاتی می‌شود.

۶. اعتدال و میانه‌روی

یکی دیگر از ویژگی‌های مدرسه امام باقر (ع) حاکمیت اعتدال، میانه‌روی و پرهیز از غلو، افراط و تفریط است. در زمان آن حضرت افکار افراطی درمورد اهل بیت (ع) افزایش یافت. افرادی از روی جهل و یا محبت افراطی نسبت‌های ناروا به ائمه می‌دادند که موجب رنجش و انزجار آنها می‌شد. اعتدال، اختصاص به امور اعتقادی ندارد، بلکه چونان چتری بر همه بخش‌های زندگی از اخلاقی، اجتماعی، خانوادگی و... حاکم است. روح حاکم بر زندگی اهل بیت (ع) به‌ویژه امام باقر (ع) روح اعتدال و میانه‌روی است. واژه اعتدال در قرآن نیامده است، اما واژگان قوام (ر.ک.، فرقان: ۶۷)، وسط (ر.ک.، بقره: ۱۴۳)، قسط (ر.ک.، لقمان: ۱۹)، حنیف (ر.ک.، آل عمران: ۶۷) و... بر آن دلالت دارد. ذیل آیه «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» و ما همچنان شما (مسلمانان) را امتی میانه و معتدل قرار دادیم

تا بر مردم گواه باشید و پیامبر هم گواه بر شما باشد» (بقره: ۱۴۳). ابابصیر از امام یازدهم علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «عَنْ نَمِطِ الْحِجَازِ قُلْتُ: وَمَا نَمِطُ الْحِجَازِ قَالَ: أَوْسَطُ الْأَعْمَاطِ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا قَالَ: ثُمَّ قَالَ: إِنِّي أَنَا يَزْجِعُ الْعَالِي وَبَنِي يَلْحَقُ الْمُقْصِرُ؛ ما نمط حجازیم (گروه اهل حجاز)، گفتیم یعنی چه؟ فرمود: یعنی میانه‌روترین گروه که خدا در این آیه می‌فرماید کندرو باید به سوی ما برگردد و عقب‌مانده‌ها و مقصرین به ما برسند» (عیاهی، ۱۳۸۰، ۶۳۸).

ایشان در سخن دیگری به فرزندش امام صادق علیه السلام فرمود: «يَا بُنَيَّ عَلَيْكَ بِالْحَسَنَةِ بَيْنَ السَّيِّئَتَيْنِ تَمْنَحُوهَا قَالَ وَكَيْفَ ذَلِكَ يَا أَبَتِ قَالَ مِثْلُ قَوْلِ اللَّهِ: وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تَغَافِثْ بِهَا لَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ سَيِّئَةٌ وَلَا تَغَافِثْ بِهَا سَيِّئَةٌ وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا حَسَنَةً وَمِثْلُ قَوْلِهِ: وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ وَمِثْلُ قَوْلِهِ: وَالَّذِينَ إِذَا أَتَفَقَّهُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا فَأَسْرَفُوا سَيِّئَةٌ وَأَقْتَرُوا سَيِّئَةٌ وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا حَسَنَةً فَعَلَيْكَ بِالْحَسَنَةِ بَيْنَ السَّيِّئَتَيْنِ؛ پسرم! بر تو باد به انجام کار خیری که وسط دو کار بد قرار گرفته و آن دو را از بین می‌برد. امام صادق علیه السلام پرسید: پدر جان! چگونه چنین می‌شود؟ امام علیه السلام فرمود: همان‌طور که قرآن می‌فرماید: نماز خود را با صدای بلند و نیز با صدای آهسته مخوان و بین این دو راهی میانه بجوی. صدای بلند و آهسته، گناه و میانه‌روی حسنه است... و سخن خدا که می‌فرماید: مؤمنین کسانی هستند که وقتی اتفاق می‌کنند زیاده‌روی و سخت‌گیری نمی‌کنند. سخت‌گیری و اسراف هر دو گناه است و میانه‌روی حسنه است، پس بر تو باد به حسنه بین دو گناه». امام باقر علیه السلام در حدیث فوق با استناد به دو آیه قرآن به مصداق اعتدال می‌پردازد؛ اعتدال در عبادت و اعتدال در انفاق. امام در راستای برخورد با غالیان و فرقه‌های تندرو گاهی به نام، آنها را طرد می‌کرد مانند «لَعَنَ اللَّهُ بُنَانَ الْكُبَّانِ وَإِنَّ بُنَانًا لَعَنَهُ اللَّهُ كَانَ يَكْذِبُ عَلَى أَبِي سَعِيدٍ أَنَّهُ أَشْهَدُ أَنَّ أَبِي عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ كَانَ عَبْدًا صَالِحًا» (مجلسی، ۱۴۳۳ ه.ق، ۲۱۷/۲۵). «لَعَنَ اللَّهُ الْمُغِيرَةَ بْنَ سَعِيدٍ كَانَ يَكْذِبُ عَلَيْنَا لعنت خدا بر بنان تبان باد! او بر پدرم دروغ می‌بست. گواهی می‌دهم پدرم علی بن الحسین علیه السلام بنده صالح خدا بود. خدا لعنت کند مغیره بن سعید را که بر ما اهل بیت علیه السلام دروغ می‌بست» (مجلسی، ۱۴۳۳ ه.ق، ۲۱۷/۲۵). ایشان در سخن دیگری شیعیان را به اعتدال در توصیف امیرالمؤمنین علیه السلام سفارش کرده است و می‌فرماید: «لَا تَصْغَرُوا عَلَيَّا دُونَ مَا وَصَّاهُ اللَّهُ وَلَا تَفْرَقُوا عَلَيَّا فَوْقَ مَا رَفَعَهُ؛ و امام علی علیه السلام را از جایگاهی که خدا برایش قرار داده پایین نیاورید و از جایی که خدا بالا برده، بالاتر نبرید» (مجلسی، ۱۴۳۳ ه.ق، ۲۸۳/۲۵).



۷. باورمندی به باز بودن باب اجتهاد

شاخصه دیگر مکتب و مدرسه امام باقر (ع) گشودن راه اجتهاد و استدلال برای اصحاب بود. سیره امامان (ع) بر میدان دادن به اصحاب برای استنباط احکام بود چنانچه فرمود: «عَلَيْنَا أَنْ نُلْقِيَ إِلَيْكُمْ الْأُصُولَ وَعَلَيْكُمْ أَنْ تُفَرِّغُوا؛ ما اصول را به شما القا می‌کنیم و بر شماست فروغ و استخراج» (حرعاملی، ۱۴۱۸ ه.ق، ۵۵۴/۱). امام باقر (ع) شیوه‌های صحیح استنباط احکام شرعی و منابع را برای پیروان خود تبیین می‌کرد. شهید سید حسن صدر می‌نویسد: «به واقع اولین کسی که دروازه علم اصول و اجتهاد در احکام را گشود و به تبیین و توضیح قواعد آن پرداخت امام ابو جعفر محمد بن علی الباقر (ع) و پس از او فرزند برومندش ابو عبد الله الصادق (ع) است. این دو بزرگوار با جمع‌آوری و نگاشتن مسائل و قواعد، گام بزرگی در فقه و اصول شیعه برداشتند» (صدر، ۱۳۳۱). علامه سید محسن امین می‌نویسد: «بدون تردید بیشترین قواعد اصولی که از امامان (ع) روایت شده از امام باقر (ع) تا امام عسکری (ع) است». سیوطی در کتاب *اوائل* بر این باور است که نخستین کسی که علم اصول را تصنیف کرد امام شافعی بوده است. در پاسخ باید گفت: «نخستین کسی که پیش از شافعی علم اصول را گشود و مسائل آن را بیان کرد امام محمد بن علی الباقر (ع) و فرزند بزرگوارش جعفر الصادق (ع) است» (امینی، بی‌تا، ۱۳۸۸).

امام باقر (ع) برای تحکیم بنیادهای اجتهاد به شاگردان برجسته خود مانند ابان بن تغلب فرمان می‌داد به مردم فتوا بدهند تا بستر مناسبی برای مرجعیت آنها در بین مردم پیدا شود. همه مردم امکان دسترسی به امام را نداشتند. از این رو، امام (ع) این زمینه را برای شاگردان فراهم کرد و به ابان فرمود: «أَفَتِ النَّاسُ؛ فَإِنِّي أَحِبُّ أَنْ يُرَى فِي شَيْعَتِي مِثْلُكَ؛ برای مردم فتوا بده. همانا! دوست دارم در بین شیعیانم مانند تو باشد» (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۲۹۴/۳۰). همچنین امام (ع) با شیوه‌های نادرست اجتهاد و استنباط احکام مانند قیاس و استحسان برخورد کرد و پیروان خود را از افتادن در دام این شیوه‌ها برحذر می‌داشت آن‌گونه که به زراره فرمود: «يَا زُرَّارَةُ إِيَّاكَ وَأَصْحَابَ الْقِيَاسِ فِي الدِّينِ فَإِنَّهُمْ تَرَكُوا عِلْمَ مَا وَكَّلُوا بِهِ وَتَكَلَّفُوا مَا قَدْ كُفُّوا؛ بر تو باد! از کسانی که در دین قیاس می‌کنند، دوری گزینی؛ زیرا آنان از قلمرو تکلیف خود پا فراتر نهاده و آنچه را باید می‌آموختند، وانهاده‌اند و به آنچه از آنان خواسته نشده، روی آوردند و خود را به سختی

انداخته‌اند» (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۳۹/۱۸).

۸. اهتمام به علم و دانش

از ویژگی‌های مهم مکتب امام باقر علیه السلام اهتمام به فهم و دانش و شناخت است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «أَعِزُّ عَالِمًا خَيْرًا وَتَعْلَمُ خَيْرًا؛ دانشمند نیک باش و به فراگیری نیکی بپرداز» (برقی، ۱۳۷۱، ۳۰۵/۱). ایشان در سخن دیگری می‌فرماید: «سَلِّ وَلا تَسْتَكْبِرْ وَلا تَسْتَحِي؛ فَإِنَّ هَذَا الْعِلْمَ لَا يَتَعَلَّمُهُ مُسْتَكْبِرٌ وَلا مُسْتَحِي؛ پیرس و خودداری مکن و شرم مدار که این دانش را متکبر و کم‌رو فرامی‌گیرد» (ابن بابویه، ۱۴۳۳ هـ.ق). دوران زعامت این امام از ادوار تاریخی مهم شیعیان است که امام آنها را به گفتمان علم و معرفت فراخواند و همواره در برابر اندیشه‌های برخاسته از جهل و نادانی ایستادگی می‌کرد. اصل علم‌آموزی در جوهره دین وجود دارد. آیات و روایات در زمینه کسب دانش بی‌شمار است. در آموزه‌های دینی، جهل و نادانی ریشه همه گرفتاری‌هاست و همگان به فهم و درایت توصیه شده‌اند. اهمیت فهم و درک مباحث دینی به حدی است که امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «لَوْ أُتِيََتْ بِشَابٍ مِنْ شَبَابِ الشَّيْخَةِ لَا يَتَّقُهُ فِي الدِّينِ لَأَذْبَتُهُ؛ اگر جوان شیعه‌ای را نزد من بیاورند که در فهم دین تلاش نمی‌کند او را تأدیب می‌کنم» (برقی، ۱۳۷۱، ۳۷۸/۱). امام باقر علیه السلام نه تنها به ترویج و فراگیری دانش توصیه می‌کرد، بلکه به توسعه و گسترش آن فراتر از مرزهای مذهبی توجه داشت و می‌فرمود: «خُذُوا الْعِلْمَ مِنْ عِنْدِهِ وَلا تَنْظُرُوا إِلَى عَمَلِهِ؛ دانش را بگیرید از هر کسی که دارا می‌باشد و به عمل او نگاه نکنید» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۹۷/۲). در منظومه فکری امام باقر علیه السلام دانش، حکمت گمشده هر فردی است که باید هر کجا و در هر زمان و در نزد هر کسی آن را یافت از آن بهره‌برد. (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۴۱۸/۸) امام باقر علیه السلام در دوران امامت خود گفتمان گرایش به علم و دانش را بنیان نهاد و به ترویج شاخه‌های علمی در تمدن اسلامی پرداخت. اصل علم‌آموزی ریشه در جوهر دین اسلام دارد. فهم قرآن و سنت بدون حاکمیت علم و دانش ممکن نیست. بر همین اساس، امام علیه السلام نهضت علمی به راه انداخت و دانشمندان را محور و بالاترین افراد امت معرفی کرد. تلاش علمی آن حضرت بدون تردید در رونق و شکوفایی تمدن اسلامی بسیار تأثیرگذار بود. امام علیه السلام با تأسیس کرسی‌های تدریس و تعلیم، گفتمان علم‌گرایی را بنیان نهاد؛ شجره‌ای که بیشتر در زمان فرزندش امام صادق علیه السلام به بار نشست و ثمر داد. موج علم‌خواهی و ترویج دانش منطبق بر اصول و باورهای شیعی سدی در برابر مخالفان و منحرفان شد. امام باقر علیه السلام به



علم معنا داد و به حق شکافنده دانش‌ها بود. ایشان در شرایطی وارد این عرصه شد که انحرافات فکری و فرهنگی توسط امویان هسته اصلی دین را هدف قرار داده بود؛ شرایطی که جامعه به ابتذال کشیده شده و به جای قرآن، سنت و ارزش‌های دینی موسیقی، غنا و ابتذال جامعه را فراگرفته بود. تدابیر مهم امام باقر (ع) در تربیت شاگردان و نخبگان و برگزاری کرسی‌های آزاد نظریه‌پردازی بهترین راه مقابله با این انحرافات بود.

۹. باور به ولایت و امامت

مدرسه و مکتب امام باقر (ع) علاوه بر آنچه ذکر شد مبتنی بر باور به امامت و ولایت امام معصوم و حجیت سخن و فعل و تقریر امام است. در این مدرسه، عدم معرفت امام (ع) مرگ جاهلی محسوب می‌شود؛ یعنی بازگشت به جاهلیت قبل از اسلام و ضد ارزش‌های آن زمان از جمله شرک. امام باقر (ع) فرمود: «مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِثْلَ جَاهِلِيَّةٍ وَلَا يَمُتُ النَّاسُ حَتَّى يَغْرِقُوا إِمَامَهُمْ؛ کسی که بمیرد و برای او پیشوا نباشد با مرگ جاهلیت مرده است و مردم معذور نیستند مگر اینکه امام خود را بشناسند» (ابن بابویه، ۱۴۳۳/۲، ۴۱۲). اصل صدور روایات مرگ جاهلیت بدون امام مورد تردید نیست (امینی، ۱۴۳۶ هـ.ق، ۱۰/۳۶۰). معنای این روایات آن است که پشتمان تمسک به اسلام راستین، باور به امامت پیشوای معصوم است. این روایات ناظر به پیشوایی حاکمان ستمگری نیست که مرتکب صدها جنایت و ظلم شده‌اند و روی زمام‌داران کافر را سفید کرده‌اند. در مکتب اهل بیت (ع) به ویژه امام باقر (ع) تلاش دینی بدون باور به امامت فاقد ارزش است. امام باقر (ع) فرمود: «كُلُّ مَنْ دَانَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِعِبَادَةٍ يُجَاهِدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَلَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ فَسَعْيُهُ غَيْرُ مَقْبُولٍ وَهُوَ صَالٍ مُتَحَيِّرٍ وَاللَّهُ شَائِعٌ لِأَعْمَالِهِ؛ هر کسی که با عبادتی طاقت‌فرسا خداوند را بندگی کند، اما امامی که از جانب خدا آمده، نداشته باشد، عبادتش پذیرفته نیست و گمراه و سرگردان است و خدا اعمالش را دشمن می‌دارد» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۸۳). امام باقر (ع) در حدیث دیگری فرمود: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُوْدِيَ بِالْوَلَايَةِ فَأَخَذَ النَّاسُ بِأَرْبَعٍ وَتَرَكُوا هَذِهِ يَغْنِي الْوَلَايَةَ؛ اسلام بر پنج پایه استوار شد؛ نماز، زکات، روزه، حج و ولایت و آن‌گونه که به ولایت ندا داده شد به هیچ چیز ندا داده نشده، اما مردم چهار رکن را اخذ کردند و ولایت را رها کردند» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۸۷). علامه مجلسی سند برخی روایات بنی‌الاسلام را صحیح دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۳/۲، ۱۰۰۷).

۱۰. توصیه به تقیه و حفظ اسرار

نهمین ویژگی مدرسه امام باقر علیه السلام توصیه به تقیه برای حفظ دین است. تقیه نوعی پنهان کاری معقول برای حفظ نیروهای مؤمن، هدر نرفتن توان عناصر، سرمایه ها، حفظ اسرار و برنامه ها و پرهیز از تنش است. برداشت نادرست از تقیه آن را دوچهرگی، مسئولیت‌گریزی و ترس معرفی می‌کند. در صورتی که تقیه، سپری در میدان حرکت و مبارزه است که مانع زوال سرمایه ها و موجب حفظ دین است. تقیه هرگز زمینه چشم‌پوشی و کوتاه آمدن در برابر حق نیست، بلکه برعکس وسیله بالندگی و پاسداری از حق است. بخشی از سخنان امام باقر علیه السلام در زمینه تقیه عبارتند از: «الْتَقِيَتْ دِينِي وَ دِينُ آبَائِي وَ لَا إِيمَانَ لِحَنِ لَا تَقِيَّةَ لَهُ؛ تقیه جزو دین من و دین پدران من است و کسی که تقیه ندارد، ایمان ندارد»؛ «الْتَقِيَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَ كُلُّ شَيْءٍ أَضْطَرُّ إِلَيْهِ إِنْ أَدَمَ فَقَدْ أَحَلَّهُ اللَّهُ لَهُ؛ تقیه در هر چیزی است و موردی که انسان مضطر شود خداوند آن را برایش حلال ساخته است»؛ امام صادق علیه السلام فرمود: «مَا مِنْ شَيْءٍ أَكْثَرَ لَعْنٍ أَيْكَ مِنْ الْتَقِيَّةِ إِنْ الْتَقِيَّةَ حَبَّتْ لِلْمُؤْمِنِ؛ پدرم می‌گفت هیچ چیز به اندازه تقیه چشم مرا روشن نمی‌کند؛ زیرا تقیه سپر مؤمن است».

۱۱. نتیجه‌گیری

امام باقر علیه السلام در شرایط سخت بین سال‌های ۹۵ تا ۱۱۴ کرسی امامت را عهده‌دار شد. دوران زندگی نورانی آن حضرت که از حضور در کربلا و حادثه سخت شهادت جد بزرگوارش حضرت اباعبدالله علیه السلام آغاز می‌شود با ۱۰ تن از حاکمان اموی مصادف بود. دوران امامت ایشان معاصر با ۴ فرزند عبدالملک (ولید، سلیمان، یزید، هشام) و دوران کوتاه حاکمیت عمر بن عبدالعزیز است. همه امامان شیعه عهده‌دار ارشاد و رهبری جامعه اسلامی و پاسدار و نگهبان آیین اسلام و مبانی تشیع بودند و هر کدام متناسب با شرایط زمان راهی را برگزیدند. در دوران امام باقر علیه السلام بعد از خفقان ۳۴ ساله زمان پدرش، زمینه‌ای برای نشر حدیث و گسترش علوم پیدا شد. امام باقر علیه السلام مدرسه بزرگ فقهی و کلامی را بنیان نهاد که تفاوت اساسی و ریشه‌ای با سایر مذاهب و مکاتب معاصر ایشان داشت. مهمترین ویژگی‌های این مدرسه که در نوشتار حاضر بررسی شد قرآن محوری، استناد به سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله،



حاکمیت عقل و خرد، عمل‌گرایی، اعتدال، باورمندی به فتح باب اجتهاد، اهتمام به علم و دانش، ولایت‌مداری و توصیه به تقیه است. هریک از این محورها می‌تواند موضوع پژوهشی مستقل قرار گیرد. پیشنهاد می‌شود محوره‌های نه‌گانه به صورت مستقل موضوع مقالات و رساله‌های ارشد و دکتری قرار گیرد.

فهرست منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۳ ه.ق). معانی الاخبار. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۳ ه.ق). تحف العقول عن آل الرسول. قم: جامعه مدرسین.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ ه.ق). مناقب آل ابی طالب علیه السلام. قم: انتشارات علامه.
۴. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد (۱۳۷ ه.ق). عده الداعی ونجاح الساعی. قم: دارالکتب الاسلامی.
۵. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ ه.ق). کشف الغمه فی معرفه الائمه. تبریز: بنی هاشمی.
۶. امین، سید محسن (بی‌تا). اعیان الشیعه. بیروت: دارالمعارف للمطبوعات.
۷. امینی، عبدالحسین (۱۴۳۶ ه.ق). القدر فی الکتاب والسنه والادب. قم: مؤسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی.
۸. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ ه.ق). البرهان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه البعثه.
۹. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ ه.ق). المعحسن. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۰. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ه.ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام.
۱۱. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۸ ه.ق). الفصول المهمه فی الاصول الائمه. قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام.
۱۲. خصیبه، حسن بن حمدان (۱۴۱۹ ه.ق). الهدایه الکبری. بیروت: البلاغ.
۱۳. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۳ ه.ق). تاریخ ایران بعد از اسلام. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۴. صدر، سید حسن (۱۳۳۹ ه.ق). الشیعه وفنون الاسلام. تهران: مطبعه الفرقان.
۱۵. صفارقی، محمد بن حسن (۱۴۰۴ ه.ق). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیه السلام. قم: مکتبه آیت الله مرعشی النجفی.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ ه.ق). اعلام الوری باعلام الهدی. تهران: اسلامیه.
۱۷. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ ه.ق). مجمع البحرین. تهران: انتشارات مرتضوی.
۱۸. طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۷۳ ه.ق). رجال الطوسی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین.
۱۹. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ه.ق). تفسیر العیاشی. طهران: المطبعه العلمیه.
۲۰. فیض کاشانی، محمد بن محمد بن حسن (۱۴۰۶ ه.ق). الوافی. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
۲۱. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ ه.ق). تفسیر القمی. قم: دارالکتب.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ه.ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. مجلسی، محمد باقر (۱۴۳۳ ه.ق). بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۶ ه.ق). ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخیار. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی النجفی.
۲۵. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ه.ق). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. قم: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام.
۲۶. منذر، حکیم (۱۴۱۲ ه.ق). اعلام الهدایه الامام محمد بن علی الباقر علیه السلام. قم: المجمع العالمی اهل‌البیت علیه السلام.